



# چه کسی او را کشت؟

David Akerman

روزنامه‌نگار

BBC NEWS



بنیان‌گذار ریگیت  
نماینده نظامی سازمان ملل در کنگو



جرارد سوتنه، افسر بلژیکی  
از عاملین قتل و مصله پاتریس



لودو دی ویت

دیپلمات‌ها ظاهر شد. اینداریجیت ریگای می‌گوید: «او با زنجیر در پشت کامیون بسته شده بود؛ خونریزی داشت و موهایش ژولیده بود و عینکش را نیز دیگر به چشم نداشت؛ اما ما اجازه مداخله نداشتیم.»

تحقیق بیشتر در ویلا موبوتو صورت گرفت! جایی که سربازان جوان و خوشحال هنگام ضرب و شتم نخست‌وزیر منتخب در مقابل دوربین‌های تلویزیونی غوغا کردند. بلژیکی‌ها خواستار پایان قاطع‌تری بودند؛ آنها می‌خواستند لومومبا به چومبه، قسم‌خورده‌ترین دشمن لومومبا تحویل داده شود. در حقیقت این یک حکم اعدام بود. در هفدهم ژانویه، لومومبا بار دیگر در پرواز به سمت الیزابتویل مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او دست‌بسته تحویل سربازان کاتانگایی تحت فرمان بلژیکی‌ها شد. زمانی که چومبه و کابینه‌اش تصمیم گرفتند که با لومومبا چه کنند، او همچنان تحت حفاظت و خشونت مضاعف نیروهای بلژیکی و کاتانگایی قرار داشت. گفته می‌شود در همان شب، لومومبا را با دست‌بسته کنار درخت بزرگی بردند. سه جوخه تیرباران تحت فرمان یک بلژیکی در کنار هم قراردادش و یک بلژیکی دیگر فرمانده کل محل اعدام بود. اعدام لومومبا دو یارش انجام شد. روز بعد وزیر کشور کاتانگا یک پلیس ارشد بلژیکی را به دفتر خود فراخواند و از آنها خواست اجساد را مخفی کنند. «جرارد سوتنه» می‌گوید: «او گفت شما آنها را نابود و ناپدیدشان کنید. نحوه انجام این دستور برای من فرقی ندارد». سوتنه و یکی از همراهانش اجساد را از گورهای کم‌عمق بیرون کشیدند و آنها را تکه‌تکه کرده و در اسید به‌دست آمده از معادن تحت کنترل بلژیک حل کردند.

سوتنه می‌گوید: «ما به‌مدت دو روز آنجا بودیم. ما کارهایی را انجام دادیم که یک حیوان انجام نمی‌داد. برای همین مست کرده بودیم. به‌شدت مست!» وقتی اسیدی باقی‌مانده، بقایای اجساد را سوزاندند. هنگامی که کارشان به اتمام رسید، نشانی از بقایای انسانی نبود. تا سه هفته چیزی گفته نشد! هرچند شایعه به‌سرعت گسترش یافت. وقتی مرگ لومومبا به‌صورت رسمی از رادیو کاتانگا با جزئیات پیچیده و غیرقابل باور از جمله فرار لومومبا و قتل توسط روستاییان خشمگین اعلام شده بود، هیچ‌کس آن را باور نکرد.

لومومبا خواستار خروج نیروهای بلژیک شد، اما آنها این کار را نکردند. او دیپلمات‌های بلژیکی را اخراج کرد و سازمان ملل را به دفاع از کشور تازه استقلال یافته فراخواند. او غیرمستقیم فهماند که در صورت ضرورت ممکن است از اتحاد جماهیر شوروی برای کمک یکجانبه درخواست شود. همین زنگ خطر را در بلوک غرب به صدا درآورد.

ژنرال «اینداریجیت ریگای» نماینده نظامی دبیرکل سازمان ملل در کنگو می‌گوید: «در گزارش‌های سازمان ملل ثبت شده که کارکنان غیرنظامی بلژیکی، فعالیت دقیق و صحیح کارشناسان غیرنظامی سازمان ملل را غیرممکن کرده بودند». لومومبا در بن‌بست قرار داشت؛ نهایتاً او محموله‌ای از هواپیماهای ترابری شوروی و کامیون‌های نظامی را که احتمالاً حامل سلاح بود، پذیرفت. شصت‌وهفت روز پس از به قدرت رسیدن، پاتریس لومومبا توسط رئیس‌جمهور کشور، کاساوبو، برکنار شد اما لومومبا زیر بار نرفت. در نهایت در اقامتگاه نخست‌وزیری در حصر خانگی غیررسمی قرار گرفت.

کنت لیندن، وزیر بلژیک در امور آفریقا در ششم اکتبر تلگرافی را به شهر الیزابتویل، پایتخت کاتانگا ارسال کرد و به‌وضوح بیان کرد که سیاست کنونی، ما را به سمت «حذف قطعی» پاتریس لومومبا هدایت می‌کند.

تحلیلگران وزارت خارجه بریتانیا در لندن، گزارش‌های سفیر این کشور در لئوپولدویل را بررسی می‌کردند. مسئولی که بعداً به ریاست سرویس امنیت داخلی انگلستان (MI5) رسید، اظهار کرد که «من فقط دوره‌احل ممکن برای این مشکل می‌بینم. اولین و آسان‌ترین گزینه این است که با کشتن لومومبا نسبت به حذف او از صحنه تحولات مطمئن شویم. درواقع این بایستی مشکل را حل کند». لومومبا شبانه‌گاه به‌صورت مخفیانه از اقامتگاه خود خارج شد. نیروهای موبوتو، رهبر ارتشی کودتا او را تعقیب کردند و سرانجام در سواحل رودخانه صعب‌العبور سانگورو به دام افتاد و دستگیر شد.

او از نیروهای محلی سازمان ملل درخواست کرد تا ورود کنند، اما آنها با دستور مستقیم مقرر فرماندهی در نیویورک امتناع کردند. او ابتدا به لئوپولدویل منتقل شد؛ جایی که کتک‌خورده و تحقیرشده در برابر روزنامه‌نگاران و

در هفدهم ژانویه سال ۱۹۶۱ «پاتریس لومومبا» اولین و تنها نخست‌وزیر منتخب کنگو ترور شد. فضای حاکم بر قتل او، هویت نامعلوم قاتلان را به‌عنوان یک راز باقی گذاشت. حالا بعد از سال‌ها، موشکافی جدید اسنادی که در بایگانی دولت نگهداری می‌شود و نیز بررسی شهادت حاضران آن دوره، ماجرای یک توطئه و خیانت بین‌المللی را افشا کرده است. در ۱۹۵۶ لومومبا یک کارمند اداره پست بود که چهار سال بعد نخست‌وزیر شد. در طول این مدت او دو مرتبه، یک‌بار به اتهام اختلاس - خودش مدعی بود که انگیزه سیاسی داشته- و بار دیگر به خاطر فعالیت‌های سیاسی و تحریک به آشوب و ناآرامی به زندان افتاده بود. لومومبا تنها رهبر کنگویی بود که از سطح مشکلات قومی و تمایلات قبیله‌ای فراتر رفته بود؛ در حالی که همه احزاب دیگر با چنین دغدغه‌هایی از بین رفته بودند. او رهبر جنبش ملی کنگو بود که پس از انتخابات ژوئن ۱۹۶۰ به‌عنوان اولین نخست‌وزیر کنگو ظاهر شد. در جشن روز استقلال، خصوصیت بلژیک با لومومبا عمیق‌تر شد. در حالی که لومومبا طبق برنامه رسمی فرصتی برای سخنرانی نداشت، با توصیه دوستش «ون لیرد» از جایش بلند شد و بدون هماهنگی و بداهه سخنرانی کرد. با شور و صلابت، وحشی‌گری و اهانت‌هایی را که مردم کنگو تحت حاکمیت استعماری بلژیک متحمل شده بودند، محکوم کرد. ون لیرد می‌گوید: «پادشاه بلژیک بسیار عصبانی شد. پس از آن بلژیکی‌ها دیگر تمایل به انجام هیچ کاری با او نداشتند». راه رسیدن به استقلال سنگلاخ بود و طی چند روز ارتشی‌ها کودتا کردند و اتفاقات بدتری به دنبال آن رخ داد. استان سرشار از مواد معدنی کاتانگا در جنوب به رهبری «موسی چومبه» اعلام استقلال کرد. او دشمن دیرینه لومومبا بود و به قرابت با شرکت‌های صنعتی بلژیکی شناخته می‌شد؛ شرکت‌هایی که مس، طلا و اورانیوم را استخراج کرده و ثروت حاصل از آن برای ده‌ها سال به بروکسل سرازیر می‌شد. بدون کاتانگا، اقتصاد کنگو یک اقتصاد فقیر بود. «لودودی ویت» محقق و تاریخ‌نگاری است که اسناد ۴۰ ساله موجود در آرشیو بروکسل را بررسی کرده و می‌گوید، دولت بلژیک جدایی کاتانگا را از پشت‌صحنه هدایت می‌کرد: «اسناد بسیار روشن است؛ همه آن افسران و کارگزاران از دستورات دولت بلژیک و سیاست بلژیک پیروی می‌کردند.»